

## حقوق عودت کنندگان و بیجا شده گان

### عبدالرحمن عظیمی

افغانها که طی سه دهه جنگ و بد بختی که در کشور جریان داشت مجبور به ترک وطن و کاشانه خویش گردیده به کشورهای همسایه افغانستان خصوصاً ایران، پاکستان و سایر کشورها مهاجرت نمودند و یا هم از اثر جنگ و نا امنی های داخلی وادار به ترک اقامتگاه اصلی و از دست دادن منازل، زمین های زراعتی و دار و ندار خویش شدند و از شهری به شهری و از محلی به محل دیگری نقل مکان نموده مشکلات زیادی را متحمل گردیدند. دولت جمهوری اسلامی افغانستان اتباع کشور را که مجبور به مهاجرت و ترک وطن گردیده و در کشورهای همسایه و سایر کشورها مهاجرت و یا پناهنده شده اند، عودت مجدد شان را به وطن بدون هیچ گونه تهدید و تبعیض به گرمی استقبال می نماید و تعهد می نماید که عودت کننده به دلایل نژادی، مذهبی، قومیت، عضویت در گروههای خاص اجتماعی، جنس و عقاید سیاسی مورد اذیت، تهدید، تبعیض و یا شکنجه قرار نگرفته دولت از ایشان حمایت می نماید. ضمناً دولت جهت تشویق و ترغیب بیشتر عودت کنندگان فرمانی به این شرح صادر نموده است: "عودت کنندگان بدون در نظر داشت علایق سیاسی شان که الی ۱۳۸۰/۱۰/۱ مرتکب جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور قبل از هجرت شده اند، به استثنای ادعای حق العبدی، از تعقیب عدلی معاف می باشند. اما عودت کنندگان که مرتکب جرایم علیه صلح بشری یا جنایات جنگی..."

مندرج در اسناد بین المللی و یا اعمال خلاف اهداف و اصول سازمان ملل متحد شده باشند، از این معافیت مستفید نمی گردند."

همچنان طبق فرمان رئیس دولت به عودت کنندگان استرداد اموال منقول و غیر منقول از جمله زمین، خانه، سرای، دوکان، آپارتمان و غیره شان طبق احکام قوانین نافذ صورت گرفته و از حقوق بشری و آزادی های اساسی عودت کنندگان منحصراً حمایت و پشتیبانی به عمل می آید. باید خاطر نشان ساخت که هدف از وضع این قانون دفاع و حمایت از حقوق آن عده افراد جامعه که بنابر عواملی وادار به ترک وطن و اقامتگاه اصلی خویش گردیده، می باشد. عودت کنندگان و بیجا شدگان به نسبت اینکه یک مدتی از وطن و محل اقامت شان بنابر بعضی عوامل دور مانده و اکنون به وطن و محل اقامت خویش دوباره بر می گردند وجبیه ملی تمام اتباع ساکن در کشور است که به آنها منحصراً شهروند و هموطن شان بدون تبعیض و تمایز به دیده احترام نگریده، تا آنها بتوانند به روال عادی مانند سایر اتباع کشور زندگی نمایند.

از اینکه هموطنان عودت کننده و بیجا شده داخلی ما با مشکل بی سرپناهی مواجه بوده به منظور توزیع زمینهای دولتی جهت حل مشکل بی سرپناهی آنها فرمان شماره (۱۰۴) مورخ ۱۳۸۴/۹/۱۵ رئیس جمهوری اسلامی افغانستان توشیح و نشر گردیده است. که در ماده دوم این فرمان طی دو فقره شرایط عودت کننده و بیجا شدگان مستحق را چنین تصریح نموده است:

### **شرایط عودت کننده:**

فقره (۱): عودت کننده مستحق شخصی است که واجد شرایط ذیل باشد:

- ۱- تذکره تابعیت از ولایت مربوطه داشته باشد.
- ۲- فرم عودت داوطلبانه یا اسناد معتبر دیگری که برگشت وی را از هجرت به وطن از حالت بیجا شدن در داخل دوباره به محل اصلی و دائمی اش تایید نماید، به دست داشته باشد.
- ۳- در افغانستان به نام خود، همسر یا اولاد صغیر، زمین و یا خانه نداشته باشد.

### شرایط بیجا شده:

فقره (۲): بیجا شده داخلی مستحق، شخصی است که واجد شرایط ذیل باشد:

۱- تذکره تابعیت از ولایت مربوطه داشته باشد.

۲- اسناد بیجا شدگی به دست داشته باشد.

۳- در افغانستان به نام خود، همسر یا اولاد صغیر، زمین یا خانه نداشته باشد.

زمانی که عودت کننده و یا بیجا شده واجد شرایط فوق ثابت شود در ولایت مربوطه بعد از معرفی کمیسیون از زمینهای دولتی برایشان زمین توزیع می گردد. در صورتی که در ولایت مربوطه زمین دولتی وجود نداشته باشد مستحقین عودت کننده و بیجا شده در ولایات همجوار آن (که امکان جذب را داشته باشد) بعد از تایید ولایت مربوطه معرفی و از طرف کمیسیون مربوطه زمین توزیع می گردد.

عودت کنندگانی که به شکل خودسرانه (بدون در جریان قراردان نماینده سازمان ملل متحد در امور مهاجرین) عودت نموده اند و بیجا شدگان، بعد از ارائه اسناد و تایید کمیسیون مربوطه مستحق زمین شناخته می شوند.

هر خانواده عودت کننده و بیجا شده به طور مستقل از خود نمایندگی، و از دیگران وکالت کرده نمی تواند.

به هر صورت حین تثبیت استحقاق و توزیع نمرات زمین، حق اولویت به معلولین، معیوبین و بیوه زنان عودت کننده و بیجا شده داخلی بی سرپناه و بی سرپرست داده می شود. قیمت نمرات زمین های رهائشی که طبق فرمان رئیس جمهور به دسترس مستحقین قرار می گیرد به اساس پیشنهاد کمیسیون های مرکز و ولایات و منظوری شورای وزیران تثبیت می گردد.

مستحقین که طبق فرمان نمرات زمینهای رهائشی را دریافت می نمایند، در مرحله اول سند موقت ملکیت از طریق کمیسیون های مربوطه برای شان داده می شود. سند ملکیت دائمی بعد از مرور مدت پنج سال از طرف شاروالی های مربوطه اجرا می گردد.

حق آزادی مکاتبات و مراسلات

### حفیظ الله زکی

ماده ۱۰۰ سی و هفتم قانون اساسی درباره آزادی و محرمت مکاتبات و مراسلات چنین مقرر داشته است:

"آزادی و محرمت مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلفون، تلگراف و وسایل دیگر، از تعرض مصون است.

دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد، مگر مطابق به احکام قانون."

یکی از مسائلی که به حق امنیت فردی اشخاص مربوط می شود واز اهمیت اساسی در زندگی فردی و اجتماعی برخوردار می باشد، محرمت مکاتبات و مراسلات است.

نامه ها و مکاتبات جزء حریم خصوصی اشخاص به حساب می آید و هیچ شخص و نهادی حق ندارد که بدون اجازه، آنها را باز کرده و مورد تعرض قرار دهد. در کشورهای مختلف برای متخلفان مجازات های گوناگون و شدیدی در نظر گرفته شده است.

در قانون اساسی و در ماده سی و هفتم، آزادی و محرمت تمامی مخابرات و مراسلات اشخاص را، چه به صورت مکتوب باشد و یا از طریق تلفون، تلگراف و یا هر وسیله دیگر، به رسمیت شناخته است و تفتیش مراسلات و مخابرات را؛ مگر در مواردی که قانون اجازه داده، ممنوع قرار داده است. این که گفته می شود مکاتبات و مراسلات از تعرض مصون است، یک امر مطلق نیست؛ بلکه در قانون استثنائاتی برای آن ذکر شده که در آن موارد به دولت حق داده شده است، تا نامه ها و مکتوب های افراد را چک و بازرسی کنند؛ اما همانطوری که گفته شد اصل بر آزادی و محرمت مراسلات و مکاتبات می باشد.

ممکن است پرسیده شود که حق آزادی مکاتبات و مراسلات چقدر اهمیت دارد که آن را جزو حقوق اساسی شهروندان به حساب آورده و در قانون اساسی روی آن تأکید صورت گرفته است. در پاسخ می توان گفت که آزادی مکاتبات و مراسلات اولاً؛ از موارد آزادی انسان است و آزادی جزو حقوق طبیعی و ذاتی بشر به شمار می رود، ثانیاً؛ حق محرمیت مکاتبات و مراسلات به امنیت فردی و خانوادگی افراد ارتباط می گیرد و اگر این حق برای اشخاص در نظر گرفته نشود، امنیت فردی آنها به مخاطره می افتد. از اینرو قانون هرنوع تفتیش و تعرضی که امنیت فردی و خانوادگی شهروندان را مخدوش نماید، ممنوع اعلام کرده و برای متخلفین مجازاتهایی را پیش بینی کرده است؛ البته بجز در مواردی که امنیت و آسایش اجتماع در خطر قرار بگیرد. در این صورت قانون به سازمانهایی مسوول دولتی اجازه داده، تامکاتبات و مراسلات را تفتیش و کنترل نماید. پس در مواردی مانند جنگ که رعایت اصل آزادی و محرمیت مکاتبات و مراسلات با اصل امنیت اجتماع تعارض پیدا می کند، قانون اولویت را با امنیت عمومی داده و به مأموران امنیتی اجازه داده، تا در صورت لزوم مکاتبات را بدون اجازه صاحب آن توقیف، معدوم و یا مفتوح کرده و یا مکالمات تلفونی افراد را ضبط نموده و یا گوش دهند.

امروزه با تحول بسیار گسترده ای که در عرصه ارتباطات به وجود آمده، مفهوم حریم خصوصی افراد بسیار بیشتر و پیچیده تر از آنچه بود که قبلاً مطرح بود و دولت باید امنیت حریم خصوصی اشخاص را با توجه به اقتضانات عصری مد نظر قرار دهد و تا زمانی که امنیت کشور در مخاطره نیفتد و یا حقائق حقوق اشخاص دیگر، به تشخیص قاضی و مسوولان امنیتی، به آن وابسته نباشد؛ تعرض به حریم امن افراد ممنوع قرار داده شود. باید بدانیم که هر نوع تجسس، توقیف و خواندن نامه های دیگران و یا شنود و استراق سمع مکالمات دیگران علاوه بر این که یک عمل مذموم اخلاقی به حساب می آید، از نظر شرعی نیز یک امر مذموم و از موارد گناهان کبیره به شمار می آید.

ماده دوازدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در این زمینه مقرر می دارد:

احدی در زندگی خصوصی، امور خانواده گی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات، مورد حمایت قانون قرار گیرد.

بنابراین هم دولت و هم شهروندان وظیفه دارند که حق آزادی و محرمیت مکاتبات افراد را مورد شناسایی قرار دهند و آن را در زندگی و در روابط اجتماعی خود رعایت کنند.

## تخلفات اطفال و علل آن

### «گلالی سنگر خیل عزیزی»

تخلفات ارتكابی اطفال هم از لحاظ نوع و هم به جهت علل و عوامل موثر بر آن متفاوت از جرایم ارتكابی بزرگسالان است. در همه کشورها سرقت مهمترین جرم اطفال و نوجوانان است. با این وجود در حالی که ارتكاب سرقت توسط بزرگسالان برای کسب درآمد و افزایش سرمایه است. سرقت اطفال معمولاً برای دفع هیجان و نیازهای زودگذر و آنی است. فرار از منزل، محل تحصیل، مدارس و مکاتب و فرار از محل های نگهداری اطفال و نوجوانان نیز از جمله تخلفات معمول آنهاست. عدم سازش میان والدین و نبود کانون خانوادگی قوی توأم با مدارا و دوستی، از هم پاشیدگی کانون خانواده و طلاق، زندگی طفل با یکی از والدین، رفتار نامناسب والدین با یکدیگر و با طفل یا نوجوان از جمله مهمترین دلایل و عوامل فرار کودکان و نوجوانان از خانواده و مراکز نگهداری از آنهاست. اختلال های دوره بلوغ توأم با احساس بیگانگی، ناشناخته ماندن و نیز عضویت در گروه ها و باندهای دوستانه از جمله دیگر عوامل موثر بر تخلفات اطفال و نوجوانان است. فقدان امکانات گذران اوقات فراغت همچون کتابخانه های عمومی، پارکها و فضاهای تفریحی، مراکز سپورتی و ...

نیز نقش موثری در گرایش اطفال و نوجوانان به فعالیت های مخرب و ضد اجتماعی دارد. کنترل ناکافی خانواده به دلیل عدم آگاهی و یا...

ناتوانی از درک نقش مهم خود، فقدان حضور یکی از والدین به دلیل ناشی از مشکلات اقتصادی، جنگ و غیره نیز نقش موثری در انحراف اطفال و نوجوانان و عضویت آنها در باندهای بزهکاری و خلاف از قانون دارد.

امروز مصرف مواد مخدر و برخی جرایم مرتبط با آن همانند توزیع مواد مخدر توسط اطفال و نوجوانان، به یکی از معضلات مشترک بسیاری از جوامع بشری تبدیل شده است. باندها و گروههای سازمان یافته با درک عدم مسئولیت جزائی اطفال، از آنها به عنوان وسایل ارتکاب جرم استفاده می کنند. اوباشی گری یا تخریب گرایی بی هدف که همراه با از بین بردن امکانات و وسایل عمومی همانند جایگاههای تلفن، ملی بس ها و وسایل نقلیه عمومی ... است نیز از جمله معضلات رفتاری اطفال و نوجوانان به ویژه بعد از مسابقه سپورتنی است. ترویج و توسعه فرهنگ خشونت از طریق انواع فیلمهای سینمایی و ویدئویی ناموزون با ارزشها و هنجارهای فرهنگی جامعه بومی و ارائه الگوهای مناقض هنجارها و ارزشهای اجتماعی نیز نقش موثری در تخلفات اطفال و نوجوانان دارد. مهاجرت های بی رویه، به ویژه مهاجرت به مناطق و کشورهایی که با فرهنگ، زبان و مذهب موطن اصلی مهاجران، ناهمخوان و ناموزون است و موجبات تعارض فرهنگی مهاجران را با جامعه میزبان فراهم می کند نیز از جمله عوامل موثر در تخلفات اطفال و نوجوانان می باشد. همچنین بازگشت اجباری مهاجران مذکور به موطن اصلی بدون ایجاد شرایط و ترتیبات لازم جهت زندگی و ادامه فعالیت های گذشته در آن، از جمله دیگر عوامل ایجاد کننده شوک بر کنترل موثر خانواده نسبت به رفتار فرزندان و نیز ناتوانی اطفال و نوجوانان از انطباق خود با شرایط جدید و در نتیجه تعارض با قانون و هنجار های اجتماعی می شود. به طور کلی عدم پیوند و انطباق مهاجران با جامعه میزبان و ارزشهای آن، نقش موثری در ایجاد و تعمیق شکاف میان رفتارهای اطفال و نوجوانان با انتظار های مراجع رسمی کنترل کننده رفتار در جامعه میزبان دارد. ناتوانی افراد در انطباق خود با این انتظارات، زمینه تعارض آنها با موقیت های قانونی را فراهم می کند. عامل دیگری که باعث تخلفات اطفال و نوجوانان می گردد عبارت است از ناراحتی روانی و منشی است که اغلباً به علت اختلالات منشی و روانی اطفال صورت می گیرد.

بنابر این تخلفات اطفال و نوجوانان دارای ابعاد مهم اجتماعی، روانی و زیستی است. نقش عوامل اقتصادی، خانوادگی، شکست تحصیلی، تجربه ارتباط با مراکز پولیس و ... در این رابطه بسیار مهم است. اگر به عوامل مذکور بی ثباتی سیاسی، شرایط دوره انتقال (گزار) اجتماعی، سیاسی، ناتوانی دولت و نهاد های آن در تامین نیازهای عمومی و حتی تعارض سنتهای اجتماعی با ارزشهای رسمی و مورد حمایت دولتی را اضافه کنیم، می توان به این نتیجه رسید که تخلفات رو به افزایش اطفال و نوجوانان در برخی کشور ها موضوعی عجیب و غیر قابل پیش بینی نیست. برای مبارزه با شرایط مذکور، صرف توسل به ابزارهای جزائی، اجرای روکرد سنتی مبنی بر احراز یا عدم احراز مسئولیت جزائی اطفال و نوجوانان در نظام کلاسیک عدالت جزائی، موثر و کارآمد نیست. بلکه مبارزه موثر و کارآمد با این وضعیت نیازمند مشارکت همه جانبه دولت و جامعه و ارکان آنها با استفاده از ابزارهای آموزشی، تبلیغاتی، تفریحی، پیشگیرانه و گاه جزائی است این ضرورت در اتخاذ راهبرد صحیح در کشور ما افغانستان جهت مبارزه با تخلفات اطفال و نوجوانان نیز مورد تاکید است، چنانکه به برخی از ابعاد مهم آن در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال اشاره شده است.

### طلاق چیست

#### فیض الله خواجه امانی

طلاق در دین مقدس اسلام به حیث یک ضرورت اجتماعی پذیرفته شده است، اما برای آنکه سوء استفاده صورت نگیرد یک مقدار قیودات وضع شده تا باشد از نتایج بد اجتماعی و روانی که برای طرفین و حتی اطفال شان بار می آورد از طلاق حتی الوسع باید جلوگیری به عمل آید. چنانچه خداوند در قرآن کریم می فرماید: "اگر زنان تان را دوست ندارید

بازهم آنها را طلاق مگوئید زیرا ممکن است از چیزی کراهت داشته باشید که خداوند (ج) در آن چیز نیکوی فراوان برای شما قرار داده باشد."

همچنان پیغمبر اکرم (ص) در زمینه می فرماید "خداوند (ج) به روی زمین هیچ چیزی را بدتر از طلاق نیافریده است."

### تعریف طلاق

طلاق عبارت است از انحلال رابطه زوجیت در حال و آینده بین زوج و زوجه به الفاظ که وقوع طلاق صراحتاً از آن افاده شده بتواند. ماده (۱۳۵) ق-م

کلمه طلاق اسم و مصدر آن تطلیق است و از نگاه لغوی به معنی رفع قید از نکاح در حال و آینده توسط الفاظ مخصوص می باشد که مقصد آن همان طلاق باشد.

**طلاق به اعتبار صفت** به دو دسته تقسیم می شود طلاق سنی و طلاق بدعی. طلاق سنی هم بالنوبه به دو دسته ی طلاق احسن و حسن تقسیم می شود.

طلاق سنی/حسن آن است که طلاق در طهر که نزدیکی صورت نگرفته باشد یک طلاق گفته می شود تا آنکه عدت

سپری شود، اما شوهر می تواند در زمان سپری نمودن عدت دو باره به زن رجوع نماید. ... ادامه در ص ۲  
مثلاً: شخصی زن خود را که از حیض پاک شده و هنوز بین شان قرابت و نزدیکی صورت نگرفته طلاق می دهد در این طلاق تازمانی که عدت سپری می شود شوهر می تواند که به زن خود رجوع کند اما بعد از سپری شدن عدت نمی تواند رجوع کند زیرا طلاق از حالت رجعی خارج می شود.

طلاق سنی/حسن عبارت از آن طلاق است که در هر طهر یک طلاق گفته شود آن هم در صورتی که وطی کرده باشد و اگر وطی و خلوت صحیحه نکرده باشد (غیر موطئه) یک طلاق است اگرچه در حیض هم باشد. مثلاً شخصی زن خود را که از حیض پاک می شود و وطی هم صورت گرفته باشد در هر طهور یا پاکی طلاق می دهد می گوید طلاق سنی حسن اما اگر وطی نکرده باشد یا خلوت صحیحه هم صورت نگرفته باشد اگر چه چند طلاق گفته باشد باز هم یک طلاق است.

طلاق بدعی هم به دو دسته تقسیم می شود طلاق بدعی از حیث عدت و طلاق بدعی از حیث وقت.  
طلاق بدعی/از حیث عدت؛ عبارت از طلاق است که شخص همسر خود را به سه طلاق، طلاق گوید یا در یک طهر سه طلاق به صورت متفرقه.

طلاق بدعی/از حیث وقت؛ طوری است که شخص همسر خود را در حالت حیض یا در طهر که نزدیکی در آن صورت گرفته باشد طلاق بدهد.

**طلاق از نگاه الفاظ** به دونوع است، طلاق صریح و طلاق کنایه.

طلاق صریح؛ کلمه است که استعمال آن به معنی طلاق بوده مفهوم طلاق از آن افاده می شود مثلاً شخصی به همسر خود بگوید (تو طلاق باشی) یا (تو طلاق هستی) یا (تو را طلاق گفتم) یا شخصی همسر خود را بگوید (بر من حرام هستی) چون استعمال چنین الفاظ که در عرف به معنی طلاق است لهذا استعمال الفاظ فوق به مثابه طلاق صریح می باشد، طلاق به لفظ صریح به حکم طلاق رجعی است.

طلاق کنایه؛ عبارت از الفاظی است که در طلاق استعمال می گردد مثلاً شوهر به زن خود می گوید (رحم خود را پاک کن) ویا (خانه پدر خود برو) یا (یا تو آزاد هستی) در موارد فوق طلاق وقتی ثابت می گردد که شوهر اراده طلاق را داشته باشد در غیر این صورت با استعمال کلمات کنایه آمیز که قصد طلاق در آن نباشد طلاق واقع نمی گردد.

در ماده (۱۳۹) قانون مدنی کشور آمده: "زوج می تواند به صورت شفوی و یا تحریری زوجه اش را طلاق نماید، هرگاه زوج فاقد این دو وسیله باشد، به اشارات معموله که صراحتاً معنی طلاق را افاده نماید، صورت گرفته می تواند."

فقره (۲) ماده مذکور مشعر است که "طلاق به الفاظ صریح که در عرف معنی طلاق را افاده کند، بدون نیت واقع می گردد."

### تقسیم طلاق از حیث امکان رجوع و عدم رجوع

طلاق از حیث امکان رجوع و عدم رجوع به طلاق رجعی که همان رجوع کردن شوهر به زن در ایام عدت باشد و طلاق باین تقسیم می گردد.

۱- طلاق رجعی؛ عبارت از طلاقی است که شوهر می تواند در حین سپری نمودن عدت به زوجه اش رجوع نماید آن هم به شرطی که تحت شرایط طلاق باین قرار نداشته باشد.

۲- طلاق باین؛ عبارت از طلاقی است که در خلال آن رجوع شوهر به زن مطلقه اش جایز نیست مطابق حکم ماده (۱۴۶) قانون مدنی طلاق به طور عموم رجعی اما در موارد ذیل باین خوانده می شود.

۱- طلاق سوم؛ هرگاه طلاق مقرون به عدد ثلاثه باشد فرق نمی کند که به صورت لفظی باشد یا قسم اشاره همین طور به لفظ واحد باشد یا لفظ متفرق، بعد از نزدیکی طلاق باین گفته می شود.

۲- طلاق قبل از مزاجت (نزدیکی)؛ شوهر همسر خود را بعد از عقد نکاح قبل از نزدیکی و یا خلوت صحیحه طلاق دهد این نوع طلاق باین است.

۳- طلاق به عوض (خلع)؛ هرگاه شخصی همسر خود را در برابر یک مقدار پول طلاق دهد این طلاق باین خوانده می شود.

۴- طلاق که در قانون باین خوانده می شود؛ هرگاه در مدت ایام عدت طلاق رجعی، رجوع صورت نگیرد طلاق رجعی به طلاق باین تبدیل می شود.

### نگاهی به اصلاحات دوره شاه امان الله

#### دردانه فضائلی

هر نوع تغییر و تحول، نظریات موافق و مخالف را به دنبال دارد و هر قدر که این تحولات و تغییرات از ساختار سنتی و عنعنوی جامعه فاصله می گیرد به همان اندازه با عکس العمل های شدیدتر مواجه می شود.

نظریات مخالف و موافق که با تحولات و رویدادهای دوره ای امان الله خان (۱۹۱۹-۱۹۲۹) وجود داشت نیز از قاعده فوق الذکر مستثنی نبوده است.

ولی متأسفانه که قضاوت درباره تحولات زمان سلطنت شاه امان الله اغلب تحت تاثیر عقاید شخصی، گروهی، مذهبی و سیاسی قرار گرفته و این امر چه در عصر شاه امان الله چه بعد از وی در آثار پژوهشگران داخلی و خارجی انعکاس یافته است.

هنگامیکه شاه امان الله بر اریکه قدرت تکیه زد از یکطرف جنگ اول جهانی به پایان رسیده و انگلیسیها خود را بیشتر از پیش قوی احساس می کردند و از طرف دیگر رژیم روسیه تزاری سقوط نموده و بلشویکها قدرت را در روسیه گرفته بودند. همچنان خلافت عثمانی در ترکیه رو به اضمحلال بود. در داخل کشور هم علاوه بر رقابتهای اراکین سلطنتی جدل و کشمکش بین تجدد گرا ها و محافظه کاران در سطح کشور احساس می شد.

شاه امان الله بعد از احراز کرسی سلطنت بلا فاصله استقلال افغانستان را اعلام کرده و گفت: "من خود و کشور خود را از لحاظ جمیع امور داخلی و خارجی بصورت کلی آزاد، مستقل و غیر وابسته اعلان می دارم و به هیچ قدرت خارجی اجازه داده نخواهد شد تا یک سر مو به حقوق و امور داخلی و سیاست خارجی افغانستان مداخله کند و اگر کسی زمانی چنان تجاوز نماید من حاضرم با این شمشیر گردنش را قطع کنم."

حکومت بلشویکی روسیه طی پیام رسمی استقلال افغانستان را به رسمیت شناخته و خواهان برقراری مناسبات سیاسی و تجارتي گردید. شاه هم پاسخ مثبت داد.

انگلیسیها هم بعد از سه دور مذاکرات طولانی مجبور به شناخت استقلال افغانستان شدند. شاه امان الله خان بعد از حصول استقلال و برقراری روابط با سایر کشورهای جهان متوجه اصلاحات اداری، اجتماعی و سیاسی کشور گردید. و خطاب به مردم گفت: "امروز روز قلم است نه روز شمشیر." از اصلاحات و نوآوریهای دوره سلطنت امان الله خان بصورت اختصار ذیلاً نام می بریم:

#### ۱- در ساحات اداری

- تاسیس شورای دولت به حیث مرجع قوانین،
- تشکیل کابینه به شکل جدید و تدویر منظم مجلس وزراء،
- تاسیس مجلس مشوره در ولایات،
- تجدید نظر کامل بر تشکیلات اساسی افغانستان (متشکل از پنج نایب الحکومتی و چهار حکومت اعلی)،
- تدویر لویه جرگه به حیث مرجع عالی تصمیم گیری ملی در کشور (۱۳۰۱ در جلال آباد- ۱۳۰۳ در کابل و ۱۳۰۷ در پغمان) قابل تذکر است که ماهیت این لویه جرگه ها از لویه جرگه های تاریخی فرق دارد.
- تصویب اولین قانون اساسی زیر عنوان "اصول اساسی دولت عالی افغانستان"،
- تقویه پولیس شهری،
- برقراری روابط سیاسی با کشورهای خارجی، تبادل سفرا و گشودن سفارتخانه ها،
- تثبیت بیرق ملی (سیاه، سرخ و سبز با نشان مخصوص)،
- توزیع تذکره نفوس برای اتباع افغانستان،

#### ۲- در ساحه اجتماعی و فرهنگی

- اعلام آزادی کنیزان و غلامان،
  - قطع معاشات مستمری اعضای خانواده شاهی، درباریان و سران قبایل،
  - الغای القاب رسمی و امتیازات مربوطه که قبلاً مروج بود،
  - قطع کمکهای پولی برای ملاها و الغای پیری و مریدی برای منسوبین عسکری،
  - تنظیم امور مطبوعاتی و تشکیل ریاست مستقل مطبوعات،
  - بکار انداختن دستگاه رادیو و سینما برای عموم مردم،
  - نشر جراید آزاد غیر دولتی،
  - نشر اولین جریده برای زنان به نام ارشاد النسوان،
  - وضع قوانین مالیاتی و ترتیب بودجه دولت و نشر پول کاغذی برای اولین بار،
  - تاسیس و توسعه مکاتب و تدریس زبانهای خارجی و علوم جدید،
  - ایجاد انجمن معارف و تعلیم و تربیه مجانی،
  - تاسیس اولین مکتب نسوان بنام مکتب مستورات و تاسیس مکاتب مسلکی در رشته های مختلف،
  - طبع کتب درسی نخست در لاهور و بعداً در کابل،
  - اعزام محصلین اعم از ذکور و اناث به خارج جهت تحصیل.
- در مجموع می توان گفت که شاه امان الله کوشید که با تغییرات و اصلاحات، نظام قبیلوی را از بین برده و یک حکومت بر مبنای قانون و آراء مردم با رفع کلیه امتیازات و رعایت آزادی فردی بسازد که موفق نشد. زیرا این نوآوریها به ضرر خانواده های اشرافی، خوانین و روحانیون متعصب بود که سرانجام همراه با تحریکات برون مرزی و اغتشاشات داخلی زمینه انقراض دولت شاه امان الله خان را فراهم ساخت.

## حقوق پناهندگان

### اسدالله احسان

حقوق پناهندگان یکی از موضوعات مهم و جدید در حقوق بین الملل به شمار می آید. حقوق پناهندگان اکنون در کنار سایر مسایل حقوقی در عرصه بین المللی اهمیت و جایگاه خاصی پیدا کرده است و در اجلاس های بین المللی عهد نامه هایی در این مورد به امضاء رسیده است. از آنجایی که مشکلات و دشواری های حقوقی پناهندگان در عرصه جهانی ابعاد وسیع تری یافته است؛ و از آنجایی که شهروندان کشور ما در سالهای اخیر به صورت وسیع در کشورهای مختلف دنیا پناهنده شده اند، آگاهی از حقوق و وظایف پناهندگان برای همه ما امری ضروری محسوب می شود.

### تعریف پناهنده

مطابق کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، پناهنده به کسی گفته می شود که به دلیل ترس موجهه دلایل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد و در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می برد و نمی تواند و یا نمی خواهد در تابعیت کشور اصلی خود باقی بماند و یا در صورتی که فاقد تابعیت است و در خارج از محل سکونت دایمی خود به سر می برد، نمی تواند یا به علت ترس مذکور نمی خواهد به آن کشور باز گردد.

پس پناهنده در واقع شخص بیگانه ای است که به دلیل ترس از تعقیب و یا نجات جان و مال و آزادی خود، به کشور دیگری پناهنده می شود.

البته شخص دلایل خود را مبنی بر ترس موجه به کشور پذیرنده ارائه می کند؛ اما تشخیص و احراز آن با کشور پذیرنده است که آن دلایل را می پذیرد یا رد می کند.

### حق پناهندگی

از بررسی مجموع منابع بین المللی چنین نتیجه گیری می شود که پناهندگی یک حق برای شخص پناهنده به حساب می آید و کشورهای پذیرنده در صورت احراز خطر و یا ترس موجه باید او را پناه دهند.

ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در باره حق پناهندگی مقرر می دارد که: "دولت های متعاقد، پناهندگانی را که مستقیماً از سرزمینی که در آنجا زندگی می کرده و آزادی شان در معرض تهدید بوده و بدون اجازه به سر زمین آنها وارد شده اند یا در آنجا بسر می برند، به خاطر این که بر خلاف قانون وارد سر زمین آنها شده اند یا در آن بسر می برند، مجازات نخواهند کرد، مشروط به این که آنها فوراً خود را به مراجع مربوطه معرفی کرده، دلایل قانع کننده ای برای ورود یا حضور غیر قانونی ارائه دهند."

در ماده ۳۳ کنوانسیون مزبور نیز در مورد منع اخراج پناهندگان آمده است:

"هیچ یک از دول متعاقد به هیچ وجه پناهنده ای را به سرزمین هایی که امکان دارد به علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در دسته اجتماعی به خصوص، یا دارا بودن عقاید سیاسی، زندگی و یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود تبعید نخواهند کرد یا باز نخواهند گردانید."

در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز حق پناهندگی برای افراد را به رسمیت شناخته و در ماده ۱۴ چنین می گوید:

"هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند."

بنابراین وقتی که پناهندگی یک حق باشد، در مقابل پذیرش آن از سوی کشورهای پناهنده پذیر یک تکلیف به حساب می آید.

ماده ۱۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی (مصر) نیز صراحت دارد که: «هر انسانی بر طبق شریعت حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشور را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می تواند به کشور دیگری پناهنده شود. و



بر آن کشور پناه دهنده واجب است که با او مدارا کند، تا این که پناهگاهی برایش فراهم شود. با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد.

"در کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه و رفتارهای موهن و غیرانسانی چنین آمده است که: «هیچ دولت عضو کنوانسیون، شخص را به کشور دیگری که شواهد جدی مبنی بر وجود شکنجه و خطر نسبت به جان افراد در آن وجود دارد، بازگشت نخواهد داد.»

بنابراین زمانی که یک شخص به عنوان پناهنده شناخته شود، از حقوق خاصی بهره مند می شود و تا زمانی که شرایط مساعد و مطلوب برای بازگشت او به کشور متبوعش فراهم نگردد، هیچ کشوری حق بازگرداندن او را ندارد.

استقبال کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از قانون احوال شخصیه اهل تشیع

### (متن کامل اعلامیه مطبوعاتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان)

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تعدیلات ایجاد شده در قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان را گامی به جلو دانسته و از تلاشهای صورت گرفته جهت سازگاری آن با معیارهای حقوق بشری و تعهدات دولت افغانستان، استقبال می کند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از زمان اطلاع از محتوای این قانون با مطالعه و بررسی همه جانبه آن با هماهنگی و همکاری دیگر نهادهای مدنی و علمی، به صورت جدی تلاش کرد مراجع مربوطه را قانع سازد تا با احساس مسئولیت بیشتر، تعدیلات و اصلاحات لازم و ضروری را در آن انجام دهند تا مردم ما شاهد یک قانون جامع، پیشرفته، مبتنی بر اساسات دین اسلام و منطبق با ارزشهای انسانی و حقوق بشری باشند.

خوشبختانه در اثر تلاشهای کمیسیون مستقل حقوق بشر و دیگر نهادهای مدنی و آکادمیک در ایجاد تعدیلات در این قانون و سازگاری آن با معیارهای حقوق بشری و تعهدات دولت افغانستان به ثمر نشسته و این قانون بعد از تعدیلات و اصلاحات نافذ گردید.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تصویب قانون احوال شخصیه اهل تشیع را در راستای تحقق ماده ۱۳۱ قانون اساسی افغانستان و برخورداری شهروندان از حقوق مسلم شان دانسته و از تلاشهای صورت گرفته در جهت اصلاح و تعدیل این قانون در راستای سازگاری آن با معیارهای جهانی حقوق بشر و تعهدات بین المللی افغانستان استقبال می نماید.

کمیسیون مستقل حقوق بشر

تاریخ: ۱۳۸۸/۵/۲۴

### معرفی قوانین

#### (قانون احوال شخصیه اهل تشیع)

#### سید محمد رضا فخری

این قانون به تأسی از حکم ماده یکصدوسی و یکم و رعایت حکم ماده پنجاه و چهارم قانون اساسی افغانستان به منظور تنظیم امور مربوط به احوال شخصیه اهل تشیع وضع گردیده است. به اساس معلومات ریاست عمومی اداره امور و دارالانشای شورای وزیران، قانون احوال شخصیه اهل تشیع که به اساس مصوبه شماره ۱۱۴ مورخ ۱۹ دلو ۱۳۸۷ ولسی جرگه و مصوبه شماره ۱۰۲ مورخ ۴ دلو ۱۳۸۷ مشرانو جرگه شورای ملی تصویب و به موجب فرمان شماره ۱۷۳ مورخ ۲۹ حوت ۱۳۸۷ توشیح گردیده بود با صدور حکم شماره ۴۰۵ مورخ ۱۸ حمل ۱۳۸۸ ریاست جمهوری اسلامی افغانستان مورد بازنگری قرار گرفت و بعد از سه ماه کارفرشده حقوق دانان و مشوره با علمای جید، نهاد های مدنی، حقوقی و اهل خبره کشور تعدیلات، حذف و ایزاد در برخی مواد قانون مذکور به جلسه شورای وزیران جمهوری اسلامی افغانستان ارایه گردید.

مطابق حکم مندرج ماده هفتادونهم قانون اساسی افغانستان تعديلات، حذف و ايزاد در قانون احوال شخصيه اهل تشيع به داخل (۴) فصل و ۴۴ ماده که براساس مصوبه (۱۶) مؤرخ ۱۳۸۸/۴/۱۵ شورای وزیران تائيد گردیده بود به توشیح رئيس جمهور اسلامی افغانستان رسيد این قانون از تاريخ توشیح نافذ و همراه با قانون در جريده رسمی نشر گردید.

### گزارش سفر پوهندوی عدالتخواه معین اداری وزارت عدلیه به اندونیزیا

تحت عنوان "قاچاق انسان، ترافیک اشخاص و جرایم انتقالی" کنفرانسی در شهر بالی اندونیزیا که بنام بالی پروسس "Baliprocess" شهرت دارد، دایر گردید. این کنفرانس به تاریخ ۲۷ جولای ۲۰۰۹ آغاز و در تاریخ ۲۹ جولای خاتمه یافت.

در این کنفرانس نمایندگان کشورهای افغانستان، استرالیا، بنگلادیش، هندوستان، مالیزیا، مالدیف، پاکستان، سریلانکا، میانمار، نیوزیلاند، تایلند و اندونیزیا اشتراک کرده بودند، علاوهً نمایندگان مؤسسات UNHCR، IOM (سازمان بین المللی مهاجرت) و سکرتریت آسیا نیز دعوت شده بودند.

از جانب افغانستان پوهندوی عبدالقادر "عدالتخواه" معین اداری، فضل الرحمن "فاضل" رئیس امور قونسل و جناب بسم الله (بسمل) سفیر جمهوری اسلامی افغانستان در جاकारتا اشتراک کرده بودند.

این کنفرانس که برای مدت سه روز ادامه داشت، نمایندگان کشورهای مختلف هرکدام به نوبه خود در مورد چگونگی قاچاق انسان، اجراءات و فعالیتی که در مورد جلوگیری از قاچاق انسان و وضع قوانین مربوط به آن در کشورهای متبوع ایشان صورت گرفته است، صحبت مفصلی کردند.

سفیر افغانستان مقیم کشور اندونیزیا در مطالبی عنوان نمود:

در جریان متصدی ام بحیث سفیر افغانستان در جاकारتا شاهد ورود یک تعداد افغانها به طور قانونی و غیر قانونی به جاकारتا می باشم که میخواهند تا از طریق این کشور به کشور استرالیا و سایر نقاط جهان مهاجرت نمایند که متأسفانه بعضی از آنها توسط پولیس در سایر ولایات و نقاط این کشور دستگیر شده و تحت توقیف قرار دارند.

رئیس هیأت افغانی در این کنفرانس نظریات خویش را چنین ابراز نمود.

"پدیده قاچاق انسان و جنایات مربوط به آن یک عمل شوم و مدهش بوده که تعدادی از مردم ما قربانی آن می شوند، عوامل، دلایل و فاکتورهایی که باعث قاچاق انسان می شود در کشور ما ذیلاً توضیح می گردند:

۱- موجودیت سه دهه جنگ

۲- فقر و عدم اشتغال

این دو پدیده دلیل مهم مهاجرت های غیر قانونی و قاچاق انسان در کشور می باشد، خوشبختانه دولت افغانستان قوانین را در زمینه مبارزه با تروریزم، جنایات، اختطاف و قاچاق انسان وضع کرده است که دو قانون در ۲۸ جولای ۲۰۰۸ از طریق جریده رسمی وزارت عدلیه به نشر رسیده است.

### اصطلاحات حقوقی

**ابتکار:** ابداع جدید در یک شیء و یا انجام یک عمل بی سابقه، مثبت و مفید.

**ابدال:** قراردان مال به جای مال دیگری به عنوان جایگزین و عوض آن.

**ابرا:** هرگاه داین از کل یا قسمت حق یا طلبی که بالای مدیون دارد صرف نظر نماید.

**ابرا خاص:** ابرا شخص به شخص دیگر در یک موضوع یا دعوی خاص.

**ابرا خط:** سندی که داین از حقوق خود در برابر مدیون منصرف گردیده و سبب انقضای حق می گردد.

**ابرام:** تایید حکم محکمه ابتدائیه توسط محکمه استیناف یا تایید حکم محکمه استیناف توسط ستره محکمه.

**ابرای اعیان:** ابرایی که شخص از حقوق عینی اش ابرا نماید.

ابرای استیفاء: ابرایی که داین به قبض حق خود اقرار نماید.

ابرای اسقاط: حالتی که داین، مدیون خود را از تمام و یا قسمتی از حق خود بری الذمه گرداند.

ابرای دین: تصمیم و اراده شخص مبنی بر صرف نظر از طلب و قرضه ای که بالای شخص دیگر دارد.

ابرای گذشته: ابرایی که بر حقوق و دیونی متعلق به گذشته مرتب می گردد.

ابضاع: شخص حامل یک مقدار سرمایه، که برای دیگری به منظور انجام فعالیت تجارتي داده، به ترتیبی که تمام فایده مربوط وی باشد.

ابطال تصرف: باطل گردانیدن تصرف شخص و یا اشخاص، که به اساس حکم قانون و دلایل موجه صورت می گیرد.

ابقای ذوی الید: باقی ماندن ذوالید به حالت ذوالیدی اش بالای یک عین و یا مال بدون تعرض غیر.

ابقای مال مشاع: نگهداشت و عدم تقسیم مال مشترک بر اساس حکم قانون و یا موافقه شرکا.

ابلاغ نامه: ورقه رسمی ایکه توسط آن اشخاص ذیربط، از حکم صادره محکمه و یا مرجع ذیصلاح رسماً اطلاع حاصل می نمایند.

منبع: قاموس اصطلاحات حقوقی